



## رسم محبت

موانع و راهکارهای تحقق حیات طیبه از منظر قرآن

### ← مفهوم مخالف تنازع

در برابر و مخالف با کلمه تنازع از کلمات متعددی می‌توان استفاده کرد. مواساه، ایثار و گذشت، صلح‌جویی و تعامل از جمله این عبارات محسوب می‌شوند، اما همچنان که به نظر می‌رسد روح حاکم بر تنازع جدایی، تفرقه، ظلم و دشمنی است، روح حاکم بر مفهوم مخالف تنازع نیز عبارتهایی مانند محبت و وحدت هستند.

### ← محبت

موضوع محبت در برگرفته بسیاری از مکارم اخلاق است. این کلمه مادر

خوبی‌هاست و در بیان اهل بیت مطهر، دین جز محبت نیست. سامان‌دهی، دوست داشتن و دشمن داشتن وظیفه هر مسلمان در طول زندگی دنیایی اوست؛ اینکه دوستان خدا را دوست و دشمنان خدا را دشمن بدارد.

در خصوص موضوع محبت به چند نکته اشاره می‌کنیم: معنای محبت، محبت از نگاه قرآن، اجزا، ریشه‌ها و نقش محبت در تعلیم و تربیت.

### ← معنای محبت

محبت به معنای دوست داشتن، عشق ورزیدن، شفقت، صمیمیت،

مهربانی، عطف، علاقه، مودت و انس و معنای فلسفی آن ابتهاج به شیء، اشتیاق روحی، ارادت به محبوب، تمایل قلبی، تولا و هواخواهی است. به نظر می‌رسد محبت نوعی رابطه قلبی بین انسان با انسان دیگر یا با خداوند و یا با اشیای مادی در طبیعت است. این تعلق روحی باعث می‌شود محب شیفته، دلدا، علاقه‌مند، ارادتمند و هواخواه محبوب شود. انسان‌ها در طول زندگی خود با محبت زندگی می‌کنند و محبوب‌های آن‌ها نشان‌دهنده درجه و مقام مادی و معنوی آن‌ها هستند. رشد عقلی انسان‌ها آن‌ها را به سمت



محبوب‌های ارزشمندتر، ماندگارتر و عظیم‌تر راهنمایی می‌کند، در غیر این صورت محبت در پایین‌ترین حد آن باقی می‌ماند و به رشد و تعالی انسان نمی‌انجامد.

### ← محبت در قرآن

محبت یک واژه بسیار مهم قرآنی است که بر مبنای آن می‌توان ارتباط و جایگاه بسیاری از آیات قرآن را فهمید. پروردگار عالم در قرآن کریم به‌صراحت و با تأکید، آنچه را به‌عنوان خالق و آفریننده آفرینش می‌پسندد یا ناپسند می‌داند بیان کرده و صریح‌ترین کلمه برای بیان این خوشایندی یا ناخشنودی، کلمه حُب است. به همین منظور، برای مربیان و معلمان، در مواردی بیست‌گانه، به آنچه خداوند دوست دارد یا ناپسند می‌شمارد اشاره می‌کنیم. لازم به ذکر است، این موارد کاملاً قابل‌شمارش، اندازه‌گیری و محاسبه هستند و بی‌تردید بهترین شاخص برای دین‌داری انسان‌ها، تنظیم رفتار آنان با دوست داشتن‌های خالق هستی است. متأسفانه مربیان و متولیان آموزش در خصوص بیان اهمیت عظیم این موضوع بسیار کوتاهی می‌کنند و در فضای مدرسه‌ای، بزرگداشت لازم برای آنچه خداوند دوست یا دشمن می‌دارد، وجود ندارد.

### خداوند چه کسانی را دوست دارد

**1** **خداوند افراد نیکوکار را دوست دارد.** محسنین کسانی هستند که در آشکار و پنهان انفاق می‌کنند، خشم خود را فرو می‌خورند و از گناه مردم درمی‌گذرند:

وَأَحْسَنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (بقره، آیه ۱۹۵).

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (آل عمران، آیه ۱۳۴).

وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (آل عمران، آیه ۱۴۸).

فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

(مائده، آیه ۱۳).

### 2 **خداوند توبه‌کنندگان را دوست دارد.** توبه‌کننده کسی است

که مدام در حال برطرف کردن مواعیر مسیر بازگشت خود به سمت خداست و بر آن مراقبت می‌کند:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ (بقره، آیه ۲۲۲).

### 3 **خداوند پاکیزگان را دوست دارد.** توجه به این نکته ضروری است

که پاکی جزو ارکان و مقدمات ایمان است و در واقع پروردگار عالم با بیانی دیگر درصدد بیان اهمیت پاکی و جایگاه آن در منظومه ایمان است:

فِيهِ رَجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَّهَرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ (توبه، آیه ۱۰۸).

### 4 **خداوند تبعیت از پیامبر و جانشینانش را دوست دارد.** پاداش

تبعیت کنندگان بخشش گناهان است:

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (آل عمران، آیه ۳۱).

### 5 **خداوند متقین را دوست دارد.** شاخص تقوا امانت‌داری است و

خداوند کسانی را که به عهد و پیمان خود وفادار می‌مانند دوست دارد. روح حاکم بر تقوا عهد و پیمان‌داری است:

... بَلَى مَنْ أَوْفَىٰ بِهِ عَهْدَهُ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (آل عمران، آیه ۷۶).

فَاتَّبِعُوا إِلَيْهِمْ وَعْهَدِهِمْ إِلَىٰ مَدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (توبه، آیه ۴).

فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (توبه، آیه ۷).

### 6 **خداوند صابرين را دوست دارد.** صابرين کسانی هستند که در

سختی‌ها و شدائد نه سست می‌شوند و نه ناتوان:

وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (آل عمران، آیه ۱۴۶).

### 7 **خداوند متوكلين را دوست دارد؛** کسانی که وقتی عزم کردند، به

خداوند توکل می‌کنند. ظاهراً مقدمات توکل دو چیز است: خوش‌خلقی و مشاوره:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا

غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (آل عمران، آیه ۱۵۹).

### 8 **خداوند افراد عادل را دوست دارد:**

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (مائده، آیه ۴۲).

فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (حجرات، آیه ۹).

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (ممتحنه، آیه ۹).

### 9 **خداوند جهادگران در راه خدا را دوست دارد.**

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُومٌ (صف، آیه ۴).

### 10 **خداوند پاکان و کسانی را که برای پاک شدن دیگران تلاش می‌کنند دوست دارد:**

وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ (بقره، آیه ۲۲۲).

### ← خداوند چه کسانی را دوست ندارد (دشمن می‌دارد)

#### 1

**خداوند افراد متعدی، متجاوز و ظالم را دوست ندارد:**

وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (بقره، آیه ۱۹۰).

وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (مائده، آیه ۸۷).

اذْعَبُوا رَبَّكُمْ تَصْرُغًا وَخَفِيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (اعراف، آیه ۵۵).

#### 2

**خداوند افرادی را که در زمین فساد می‌کنند، دوست ندارد.** این

فساد می‌تواند در تباه کردن کشاورزی و دامداری و حتی فساد در تباهی انسان و زاد و ولد و نسل انسان هم باشد. به نظر می‌رسد هر جا پروردگار درباره فساد بیانی دارد، مصداق بارز آن یهود است:

وَإِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ (بقره، آیه ۲۰۵).

وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (مائده، آیه ۶۴).

وَاتَّبِعْ فِيمَا أَتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَسْ وَنَصِيكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ



إِيَّاكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (قصص، آیه ۷۷).

**3 خدایوند ربا را دوست ندارد**  
و عامل آن را مصداق انسان بسیار ناسپاس می‌داند:

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيَرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (بقره، آیه ۲۷۶).

**4 خدایوند نافرمانی از خدا و رسول را دوست ندارد و آن را مصداق کفر می‌داند:**

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ (آل عمران، آیه ۳۲).

إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ (روم، آیه ۴۵).

**5 خدایوند ظالمان و کسانانی را که پاداش کار خوب دیگران را نمی‌دهند و در تلافی گناه دیگران زیاده‌روی می‌کنند، دوست ندارد:**

فَيُؤْفِقُهُمْ أَجْرَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (آل عمران، آیه ۵۷).

وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (آل عمران، آیه ۱۴۰).

وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (شوری، آیه ۴۰).

**6 خدایوند متکبر فخر فروش را دوست ندارد.** مصداق این تکبر و فخر فروشی در چند نکته ذکر شده است:

اول: تکبر نداشتن در برابر خدا و شرک نوزیدن به او. دوم: احسان به والدین. سوم: احسان به خویشاوندان. چهارم: احسان به یتیمان. پنجم: احسان به افراد مسکین. ششم: احسان به همسایگان نزدیک. هفتم: احسان به همسایگان دور. هشتم: احسان به دوستان و هم‌نشینان. نهم: احسان به واماندگان در سفر. دهم: احسان به کسانانی که رزق و روزی آنان در دست ماست:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا (نساء، آیه ۳۶).

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (لقمان، آیه ۱۸).

لَكَيْلًا تَأْسُؤًا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا

آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (حدید، آیه ۲۳).

**7 خدایوند افراد خیانت پیشه را دوست ندارد:**

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا (نساء، آیه ۱۰۷).

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ (انفال، آیه ۵۸).

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ (حج، آیه ۳۸).

**8 خدایوند مسرفان را دوست ندارد:**  
وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (اعراف، آیه ۳۱).

**9 خدایوند مستکبران را دوست ندارد:** چه استکبار ظاهری و چه پنهان در قلب و دل. خدایوند هیچ‌کدام را دوست ندارد.

لَا جَرَمَ أَنْ اللَّهُ يَعْلَمَ مَا يُسْرُونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ (نحل، آیه ۲۳).

**10 خدایوند شادخواری مغرورانه و بی‌غممانه مردم متمول را دوست ندارد:**

إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ (قصص، آیه ۷۶).

نظام ارزش‌گذاری دین اسلام بر مبنای قرآن است. این نظام ارزشی می‌تواند به گزاره‌های قابل ارزیابی تبدیل شود و ملاک برخورد‌های مربیان و معلمان مدرسه باشد. متأسفانه نظام آموزش کشور در خصوص آنچه به‌صراحت در قرآن به‌عنوان دوست‌داشتنی‌های پروردگار عالم آمده است، حساسیت ندارد و نمی‌تواند آن را به اصول و قوانین تغییرناپذیر و محکم آموزش و پرورش خود تبدیل کند! در جامعه آموزشی کشور به‌ندرت می‌توان مدرسه‌ای را در برابر اسراف حساس دانست، درحالی‌که اسراف دشمنی با امر مؤکد قرآن است. تعدی و تجاوز به حقوق دیگران، فخر فروشی، خیانت و آرایش‌های جدید مفهوم خیانت، استکبار، شادخواری و نمایش‌های جدید آن و بسیاری دیگر از مواردی که در متن یاد شده‌اند، در محیط‌های آموزشی کشور رواج دارند

و مربیان و معلمان با وجود آسیب‌های فراوانی که در این حوزه‌ها متحمل می‌شوند، نقطه آغاز برخورد‌های تربیتی و آموزشی خود را جایی غیر از این موارد جست‌وجو می‌کنند. لازم است در خصوص هر کدام از موارد بیست‌گانه محبت برنامه‌ریزی‌های مفصل آموزشی و تربیتی صورت گیرد و از اولین لحظات ورود دانش‌آموز به محیط‌های آموزشی، از پیش‌دبستان تا پایان متوسطه دوم، این موارد به‌عنوان فرمان‌های الهی و منشورهای مستحکم مورد توجه قرار گیرند. تبدیل هر کدام از موارد بیست‌گانه یاد شده به سرفصل‌های رفتاری و تربیتی، نیازمند فرصت مناسب دیگری است که به یاری خدایوند انجام خواهد شد. متأسفانه با خوش‌بختانه اخبار آموزشی و تربیتی برخی کشورهای مهم در عرصه آموزش، از استفاده فراوان آگاهانه یا غیر آگاهانه آنان از این منشور الهی حکایت دارد. امید است بازگشت و استفاده از کامل‌ترین کلام الهی در بین مسلمانان هم رایج شود و مهوریت قرآن در بین اصلی‌ترین مخاطبان آن رفع شود.

### ← اهمیت موضوع محبت

وادار کردن انسان به انجام یک عمل، به دو صورت کلی قابل انجام است: یا عمل به زور اجبار یا عمل به اختیار و علاقه. حالت اول، یعنی عمل بر اساس اجبار و زور، باز به دو صورت اتفاق می‌افتد: اجبار بر اساس استدلال عقلی و منطقی، یا اجبار بر اساس استبداد و اجبار محض. حالت علاقه و اختیار هم یا براساس محبت و علاقه قلبی است یا بر اساس مهر و محبت کاذب و غیرواقعی. عمل براساس محبت «تبعیت» نام دارد و عمل براساس عقل و استدلال «اطاعت» نامیده می‌شود. فهمیدن تفاوت تبعیت و اطاعت نیز در نظام آموزشی بسیار مهم و اساسی است. تبعیت به سنجیت منجر می‌شود و





در نهایت ماندگاری و بقا دارد و می‌تواند در حوزه اخلاق و رفتار انسان‌ها به تغییرات ماندگار و قطعی منجر شود، در حالی که اطاعت نمی‌تواند این کارکرد را داشته باشد و صرفاً می‌تواند زمینه‌تغییر و تبدیل شدن اطاعت به تبعیت را فراهم سازد. بر همین اساس نیز قرآن کریم به نقش تبعیت در هدایت تأکید کرده و در آیات فراوان به اهمیت تبعیت پرداخته شده است. آیه ۱۰۲ سوره بقره به همین نکته اشاره دارد: «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودَ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنَّ آهْوَاءَهُمْ بِئْسَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ».

در آیات متعدد دیگر قرآن، به تحذیر مردم از گام‌های شیطان و دشمن (وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ)، پرهیز از تبعیت از هوا و هوس (فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ)، پرهیز از راه‌های بی‌منشأ و فراوان (وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ)، پرهیز از تبعیت از غیر خدا (وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ) و پرهیز از تبعیت راه مفسدین (وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ) اشاره شده است. در این مجموعه آیات، دشمن انسان فقط دنبال اطاعت نیست، بلکه دنبال تبعیت است، زیرا در تبعیت روح و روان انسان‌ها به تسخیر درآمده است، در حالی که در اطاعت فقط جسم انسان‌ها به تسخیر درخواهد آمد. متأسفانه در نظام آموزشی، مریبان در صدد اطاعت‌پذیر کردن متریبان هستند تا تبعیت‌پذیری آنان! زیرا همان‌طور که گفته شد، فرایند اطاعت اگر بر اساس زور باشد، به سرعت قابل انجام است و اگر بر اساس عقل و منطق هم باشد، باز نسبت به ایجاد محبت و تبعیت‌پذیری ناشی از ایجاد محبت، بسیار راحت‌تر است. لذا تغییر رویکرد نظام آموزشی به ایجاد فرایند پایدار تغییر از طریق آموزش محبت و متعاقب آن تبعیت، ضروری به نظر می‌رسد.

در خصوص محدوده اطاعت و تبعیت و اینکه حوزه تأکید قرآن بر لزوم اطاعت به چه موضوعاتی مربوط است، در زمان

مقتضی بیان خواهد شد.

در نهایت می‌توان به اهمیت موضوع محبت واقف شد؛ هرچند در قرآن امرونی‌های فراوان و مقدسی وجود دارد، اما آنچه در ذیل کلمه محبت قرار می‌گیرد، ریشه بسیاری از امرونی‌های قرآن است. از سوی دیگر، راهبرد مدیریت محبت در جامعه دینی بسیار تعیین‌کننده و کاربردی است. لذا در این بحث به موضوع محبت از جوانب گوناگون می‌پردازیم.

### ← سیر ایجاد محبت

سیر منطقی و معقول شکل‌گیری محبت به این ترتیب است:

**اول)** انسان‌ها با موضوعی یا شخصی آشنا می‌شوند. بی‌تردید شناخت مایه اولیه و حیاتی محبت است. انسان‌ها چیزی را دوست خواهند داشت که آن را بشناسند و هرچه از جزئیات آن بیشتر باخبر شوند، دل‌بستگی‌های آن‌ها بیشتر می‌شود. برای مثال، آنچه باعث می‌شود شخصیت‌های سینمایی، ورزشی و هنری در بین مردم محبوب شوند، از توزیع فراوان اطلاعات ریز و درشت درباره این افراد نشئت می‌گیرد؛ از صورت و ظاهر گرفته تا روابط شخصی خانوادگی و اجتماعی آنان؛ به‌طوری‌که گاهی رنگ، غذا، عطر موردعلاقه و بسیاری از مسائل خصوصی و فردی آنان در بین مردم منتشر می‌شود و به‌خصوص جوانان و نوجوانان به تقلید از آنان می‌پردازند. لذا می‌توان گفت، هر مقدار دانش، آگاهی و علم ما درباره شخص یا موضوعی افزایش پیدا کند، آن شخص در افق دوست‌داشته‌های ما وارد و میزان ورود ما به دایره محبت او زیادت‌ر می‌شود.

**دوم)** مرحله ارزیابی است. در این مرحله چند موضوع موردتوجه قرار می‌گیرد:

۱. ضروری یا غیرضروری بودن نیاز؛
۲. جسمی است یا روحی بودن نیاز؛

۳. انحصاری یا غیرانحصاری بودن نیاز؛

۴. واقعی یا غیرواقعی بودن نیاز؛

۵. قابل‌دسترس یا غیرقابل‌دسترس بودن نیاز؛

۶. معقول بودن یا نامعقول بودن بهای به‌دست آوردن و برطرف کردن این نیاز؛

۷. دوطرفه بودن یا یک‌طرفه بودن نیاز؛

۸. دائمی یا موقت بودن نیاز.

**سوم)** در صورتی که ارزیابی‌های انجام‌شده مثبت باشد، تعقیب و پیگیری موضوع از راه‌های گوناگون موردتوجه قرار می‌گیرد.

**چهارم)** در نهایت، سیر محبت به دستیابی واقعی یا مجازی منجر می‌شود و پس از آن محبت شروع به زایش می‌کند. اولین و ارزشمندترین ثمره محبت، سخیت و هم‌شکلی است. لذا زمانی که کسی شبیه کس یا چیزی شده است، یعنی محبت به بار نشست و شروع به زایش کرده است. در این مرحله زدودن محبت‌های غیرواقعی در مرحله سختی قرار می‌گیرد و دیگر نمی‌توان به راحتی آن را از بین برد.

**پنجم)** در نهایت محبت به تبعیت می‌رسد. در تبعیت دیگر استدلال و منطق حاکم نیست. در این مرحله فرد نمونه کوچکی از محبوب می‌شود، مانند او فکر می‌کند و می‌تواند رفتار محبوب را در موضوعات جدید پیشگویی کند و انجام دهد. در این مرحله محبت به اوج خود رسیده است.

همان‌طور که از ظاهر بحث پیداست، این چرخه دو سو دارد و می‌تواند در یک‌سو افرادی را تربیت کند که عاشق خداوند و اهل‌بیت هستند و آرزویی جز شهادت ندارند. از سوی دیگر افرادی که عاشق هواهای نفسانی و شیطانی هستند و از هیچ فسق و فجوری دور و میرا و روی‌گردان نیستند. در این حالت به‌طور متعارف و معمول نمی‌توان به بازگشت این افراد امید فراوان داشت. لذا باید این چرخه بسیار مهم و حیاتی بحث آموزش و پرورش را از نقاط اولیه آن مورد دقت قرارداد. ■